

**نه حجاب اسلامی، نه صلیب؛
مدارس سکولار** صفحه ۲

نادر بکتاش
**جامعه، کودکان، سکت ها
نگاهی به دو هفته نامه خارج کشور** صفحه ۲
صفحه ۴

صفحه حزب
رویدادهای ایران
صفحه ۳
صفحه ۴

فاتح شیخ الاسلامی جناحهای رژیم و بحران سیاسی و اقتصادی

این روزها مردم ایران شاهد صحنه های دیگری از ادامه بحران سیاسی و اقتصادی رژیمند. برکناری و برگماری وزیر کشور، محکومیت کرباسچی، تعطیل روزنامه طرفدار خاتمی "جامعه" (و ادامه انتشار آن با نام "طوس") و بیشتر از همه اینها کاهش مداوم قیمت نفت و وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی در مرکز توجه همگان قرار دارند. بحران عمومی و مرکب جمهوری اسلامی، جدال جناحها را به دور باطلی انداخته است. دستگاههای تبلیغی دو جناح به این دور باطل با چنین سوالی برخورد می کنند: "توسعه سیاسی یا توسعه اقتصادی، کدامیک مقدمند؟! "جواب" دو جناح دو شکل دارد ولی ماهیت ناتوانی عملی شان در خارج کردن رژیم از بحران پیچیده کنونی یکی است.

روشن است که هدف خاتمی و طیف گوناگون حامیانش از "توسعه سیاسی" محدود کردن دامنه قدرت جناح مقابل برای خدمت به بقای کل نظام جمهوری اسلامی است. متقابلاً تاکید جناح دیگر بر "توسعه اقتصادی" به معنی مخالفت با هر نوع تغییر سیاسی چه در تناسب قوای بالای رژیم و چه در رابطه با جامعه است. بحث "توسعه اقتصادی مقدم است" پوچ است، "پروسترویکا"ی در کار نیست، بحث بر سر "گلاسنوست" آری یا نه، البته در چارچوب جمهوری اسلامی، است. جناح مخالف خاتمی با طرح "اول توسعه اقتصادی"، گشودن هر دریچه سیاسی ای را از پیش منتهی اعلام کرده است. به این ترتیب دو جناح از آغاز امسال به دور و تسلسلی از کشمکش دائم، در عین سازش های موقت در برابر تهدید خیزش مردم، در غلطیده اند که پروسه خودتخریبی جمهوری اسلامی را سرعت و ابعاد جدیدی داده است.

این در شرایطی است که کاهش قیمت نفت به حدود نصف قیمت یک سال پیش و کسری سه هزار میلیارد تومانی بودجه دولتی، وخامت اوضاع اقتصادی را به کابوسی برای کل رژیم مبدل کرده است. بر این متن است که مخالفان خاتمی اخطار میدهند که: چه جای "توسعه سیاسی" است؟ هیچیک از دو جناح جوابی به این اوضاع اقتصادی ندارند. در عوض منافع مشترکشان در "حفظ نظام" در برابر "تهدید دشمن"، یعنی فشار اعتراضات از پائین، هر دو جناح را به این نقطه مشترک میرساند که با نسبت دادن کاهش قیمت نفت به "اهرمهای شناخته شده غرب" و بویژه به "فشارهای آشکار و نهان واشنگتن" و غیره بکشوند مطالبات سیاسی و اقتصادی کارگران و مردم محروم را باز هم با سرکوب و خفقان جواب دهند. چشم انداز تیره اوضاع اقتصادی رژیم، هیچ "توسعه سیاسی" ای را که مجال اعتراض به توده مردم بدهد بر نمی تابد.

بحران و بن بست سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی لاعلاج است. سرنگونی این رژیم توسط کارگران و توده مردم و برقراری حکومت کارگری تنها راه خروج جامعه از این وضعیت غیر قابل تحمل و غیر قابل دوام سیاسی و اقتصادی است و طبقه کارگر با تشدید مبارزات خود، با متشکل کردن صفوف خود از طریق جنبش مجامع عمومی و با پافشاری بر مطالبات روشن خود در زمینه آزادی، برابری، عدالت و رفاه میتواند چنان افق و چشم انداز امیدبخشی در برابر جامعه قرار دهد که امر بسیج نیرو برای سرنگونی جمهوری اسلامی را تسهیل و تسریع کند.

مصطفی صابر جلوی فاشیسم ضد افغان را باید گرفت!

 صفحه ۳

غرفه فرهنگی جمهوری اسلامی در سوئد برچیده شد

بنا به اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- سوئد (۴ مرداد- ۲۶ ژوئیه) غرفه و نمایشگاه عکس سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم روز یکشنبه ۴ مرداد توسط نیروهای آزادیخواه ازجمله فعالین حزب کمونیست کارگری ایران که شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" میدادند برچیده شد. سفارت رژیم در سوئد با استفاده از برگزاری "شهر فرهنگی اروپا در سال ۹۸" در استکهلم، با اجیر کردن چند نگهبان حرفه ای اقدام به گذاشتن غرفه و نمایشگاه عکس برای تبلیغ افکار ارتجاعی و ضد انسانی خود کرده بود که نیروهای آزادیخواه و مدافع سرنگونی جمهوری اسلامی از جمله فعالین حزب در شهر استکهلم، بمحض اطلاع از این اقدام، به محل غرفه رفته و با دادن شعار مرگ بر جمهوری اسلامی بساط مزدوران رژیم را درهم ریختند. مزدوران رژیم با دیدن این صحنه سراسیمه فرار کردند. هنگام درگیری نیروهای آزادیخواه با نگهبانان حرفه ای و اجیر شده سفارت رژیم، دو نفر از فعالین سیاسی مخالف رژیم اسلامی توسط پلیس سوئد دستگیر شدند. طبق اطلاعیه خبری روز بعد واحد سوئد حزب (۲۷ ژوئیه) در پی اعتراض ایرانیان مبارز و آزادیخواه در مقابل ساختمان پلیس استکهلم به دستگیری این دو نفر، سه نفر دیگر توسط پلیس دستگیر میشوند. اما اعتراض کنندگان تا آزادی دستگیرشدگان در ساعت ۳ بامداد روز دوشنبه ۲۷ جولای در مقابل ساختمان پلیس استکهلم میمانند.

در ادامه اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- سوئد آمده است: رژیم اسلامی در سراسر سقوت محتمش، با شرکت در مراسمهایی که باهمراهی و همدستی دول غربی و اپوزیسیون رژیمی شده برایش فراهم میشود، تلاش دارد اوضاع در ایران را عادی جلوه دهد. نه تلاشهای مذبحانه رژیم و نه همراهی و همدستی دولتهای اروپائی و اپوزیسیون رژیمی شده و نه هیچ ترفند دیگری نمیتواند رژیم جنایتکار اسلامی ایران را از خشم مردم بستوه آمده ایران و نیروهای آزادیخواه رها کند. این تلاشها بیهوده و مضحک است. رژیم اسلامی و مزدورانش نه تنها اجازه نخواهند داشت بساط تبلیغات شنیع و ضد انسانی خود را پهن کنند، بلکه باید بعنوان عاملین فجیعترین و ضدانسانیترین جنایتها و بعنوان جنایتکاران و مسببن وسیعترین بی حقوقیهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی میلیونها نفر از مردم ایران، در دادگاههای بینالمللی به محاکمه کشیده شوند. رژیم اسلامی و مزدورانش اینبار هم باید متوجه شده باشند که در هیچ جا از دست نیروهای سرنگونی طلب در امان نخواهند بود. حکم مرگ این رژیم ارتجاعی را مردم ایران با صدای بلند اعلام کرده اند. رژیم جنایتکار اسلامی ایران باید سرنگون شود.

شماره فاکس حزب تغییر کرده است!
شماره جدید: ۲۲ ۶۷ ۵۱۵ ۴۱۶ (۱)

۸ سپتامبر روز اعتراض علیه جمهوری اسلامی

خاتمی روز ۸ سپتامبر برای شرکت در اجلاس سازمان ملل متحد به نیویورک می رود. غرب و رسانه های دست به سینه اش و همچنین اپوزیسیون رنگارنگ طرفدار رژیم ورود او را لحظه شماری میکنند. برای اینها فرصتی است تا این فریب را با قوت بیشتر در بوق کنند که گویا نسیم آزادی مردم ایران از لای عبا و عمامه خاتمی میوزد.

خاتمی رئیس جمهور فعلی و وزیر سابق نظامی است که ۳۰ میلیون زن را در یک آپارتاید کامل جنسی در اسارت دارد. در همین یکساله دوره ریاست جمهوری ایشان نیز زنان به جرم بی حجابی دستگیر شدند، سنگسار شدند و حتی قوانینی به تصویب رسید که بر طبق آن دفاع از حقوق زن را هم ممنوع کردند. در یکسال گذشته مخالفین رژیم همچنان به زندان، شکنجه و اعدام محکوم شدند، اعتصابات کارگری به دستور وزارت کار و وزارت اطلاعات خاتمی به خون کشیده شد و فعالین کارگری دستگیر شدند. آزادیخواهی، سوسیالیسم، دفاع از زن، دفاع از حقوق کودک، دفاع از یک جامعه غیر مذهبی و سکولار، دفاع از آزادی اندیشه، آزادی انتقاد همچنان غیر قانونی است و با زندان و شکنجه پاسخ میگیرد. همه هنر خاتمی و "تفاوت" ایشان با رقبایشان این است که ایشان بر اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی تاکید میکنند. قانونی که دو دهه است بر مبنای آن یک جامعه شصت میلیونی را به بند کشیده اند، قانونی اسلامی و قرون وسطائی که فقط مایه شرم بشریت قرن بیستم است. تبلیغات سی ان ان و بی بی سی و سایر رسانه های مزدور در حمایت از خاتمی دروغپردازی بیشرمانه ای بیش نیست.

جمهوری اسلامی رژیم بیش از صد هزار اعدام است، رژیم آپارتاید جنسی است، رژیم بی حقوقی مطلق مردم است، رژیم فقر و فلاکت است، رژیم ضد انسان، ضد کودک، ضد شادی، ضد موسیقی و هنر و ضد هر جلوه ای از انسانیت، رفاه و شادی است. این رژیم باید سرنگون شود و سران آن به جرم سرکوب و ترور و جنایت علیه بشریت به محاکمه کشیده شوند. سرنگونی این رژیم اولین گام مردم ایران برای آزادی و رهایی و یک زندگی انسانی است.

حزب کمونیست کارگری، روز ۸ سپتامبر، همزمان با شرکت خاتمی در اجلاس سازمان ملل، فراخوان به یک آکسیون سراسری در خارج کشور داده است. این روز بویژه فرصتی است تا صدای اعتراض و مبارزه مردم ایران، هرچه بلندتر، به گوش جهانیان برسد. ما از شما که از یک رژیم مذهبی و قرون وسطائی متنفرید، شما که به رژیم زن ستیز ایران اعتراض دارید، شما که بی حقوقی کارگران ایران را محکوم میکنید، شما که خواهان کوتاه شدن دست مذهب از زندگی مردم هستید، شما که برای آزادی و برابری و حرمت انسانها دل میسوزانید، دعوت میکنیم با شرکت در تظاهرات ۸ سپتامبر صف مبارزه انقلابی و کارگری علیه جمهوری اسلامی را تقویت کنید.

**دست اسلام از سر مردم کوتاه
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری**

**تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ جولای ۹۸**

آزادی، برابری، حکومت کارگری

نادر بکتاش

جامعه، کودکان، سکت ها

سنای فرانسه در آخرین روزهای ماه ژوئن دو پیشنهاد قانون را، به اتفاق آرا، به منظور محافظت از کودکان در مقابل سکتها تصویب کرد. این قوانین در جهت تحکیم کنترل بر اجرای آموزش اجباری توسط خانواده هایی است که کودکانشان در خانه یا در برخی مدارس غیر عمومی آموزش می بینند. وزیر آموزش اعلام کرده است: "ما باید مدرسه رفتن را تشویق و از انحرافات سکتی اجتناب کنیم." بر اساس تخمین های موجود، چند هزار کودک از مدرسه رفتن محروم هستند و در شرایطی که "سکتی" توصیف می شود، آموزش می بینند. این اطفال که عمدتاً در محیطهای بسته نگهداشته می شوند، نمی‌توانند یک برنامه تحصیلی نرمال را دنبال کنند و بویژه از ارتباط با بچه های "بیرون" محروم هستند. این امر باعث تشدید تاثیرات سکت هایی می شود که پدر و مادر ها به آنها متعلق هستند. بر اساس یکی از قوانین مصوبه، یک کنترل تحصیلی اجباری در رابطه با کودکانی که در خانواده آموزش می بینند، برقرار خواهد شد.

سکت ها و کودکان

عرض و طول یک سکت، ماهیت فرقه‌ای آنرا زائل نمی‌کند. چه یک میلیارد عضو این سکت باشند و چه هجده نفر. آدم‌های بالغ معتقد به اسلام می‌توانند هر بلایی بر سر خودشان بیاورند، اما حق ندارند بچه را زیر رگبار اعمال و اعتقادات خود بگیرند و ذهن و روانش را مثله‌مثله بکنند. دنیای موجود هنوز بسیار کارها دارد بکند تا تبدیل به یک جامعه انسانی بشود، اما در همین وضعیت فعلی‌اش هم، باز سعی می‌کند تا از توحش فاصله بگیرد. سنای فرانسه از نرهای حداقل جامعه این کشور هم عقب‌مانده‌تر است. همین یکی دو ماه پیش در رسانه‌ها بحث راه افتاده بود که این نهاد، باقی‌مانده از قرون پیشین و نظامهای اجتماعی به‌خاک سپرده شده و رژیمهای سیاسی بریاد رفته، مدت‌هاست که ضرورت وجودی خود را از دست داده است. از نظر جامعه‌شناختی و سیاسی، آنرا نماینده وجه روستایی جامعه فرانسه می‌دانند. با این وجود اینها به اتفاق آرا قوانینی را تصویب کردند که حق دموکراتیک پدر و مادران به دورکردن کودکان از جامعه و مسخ کردن آنها توسط رسومات این یا آن سکت را سلب می‌کند و جامعه

و نقش جامعه و دولت در رابطه با آن، از دو منطبق متفاوت و متضاد پیروی می‌کند.

دو نوع برخورد وجود دارد: برخوردی که حقوق فردی را مطلق می‌کند و عملاً آنرا در چهارچوب "توازن قوا" و قانون "قوی‌تر" می‌بیند (قانون جنگل لیبرالیسم). طبق این منطق، پدر و مادر چون بزرگتر و قوی‌تر هستند و خرج نان و آب کودک را می‌دهند حق دارند اعتقادات و رسومات خود را هم بر او تحمیل کنند، حجاب بر سرش بکشند و اگر هم خواستند خودکشی جمعی کنند بچه را هم با خود بکشند؛ چون مادر ها برای چند ماه بچه را در شکم خود حمل می‌کنند، اجازه و حق دارند که در مورد نفس زندگی کردن یا نکردن او هم تصمیم بگیرند. برخورد دیگر بر اساس دفاع از حقوق تمام انسانها و منجمله ضعیف‌ترینشان (جنین)، فراهم کردن بهترین شرایط برای تحقق آزادی انتخاب آرا و آداب زندگی، و حمایت جامعه و قوانین و دولت از حقوق و آزادی ضعیف‌ترها است.

در چند سال اخیر بحث مربوط به حجاب کودکان دختری که در خانواده‌های اسلامی زاده شده‌اند و مجبور میشوند حجاب فرقه را به سر کنند، هر از چندی در یکی از کشورهای اروپایی داغ می‌شد. اما در اسکاندیناوی و سوئد بود که سال گذشته به یمن مبارزات جسورانه اسرین محمدی و نظرات انسانی و پیشرو حزب کمونیست کارگری، جوهر و ابعاد واقعی بحث بیرون زد. معلوم شد که شناخت نظرات مخالفین ممنوعیت حجاب اسلامی بر سر کودکان، دهها برابر چندش‌آورتر از نظرات اعضا خود این سکت ۱ میلیاردی است. اگر اینها عمدتاً قربانیان خودنخواستہ جهل و شرایط زیستی تحمیل‌کننده هستند، آن سازمانها و انجمنهای زنان (از قبیل راه کارگر و آوای زن) جز شاید سیاسی نیستند. کسانی که هیچگونه انسانیتی در برخورد به مساله کودک حالیشان نیست و یک‌سره بیمار سکت دموکراسی‌پرستان هستند. لابد اینها امروز هم از زاویه "حق دموکراتیک" والدین، قوانین مصوبه سنای فرانسه را نقد می‌کنند و، از آنجایی که اعتقادات دموکراتیکشان روز به روز بیشتر و رادیکالتر میشود، چند صباحی دیگر قانون "آموزش اجباری" را هم ضددموکراتیک و "رضاخانی" اعلام میکنند.

دو منطق

موضع گیری‌های موافق و مخالف در باره حقوق کودکان (و جنین)

Iskra

فاتح شیخ الاسلامی

E-Mail: fa.shaik@swipnet.se

غلام اکبری

همکار فنی:

نه حجاب اسلامی، نه صلیب؛

مدارس سکولار

در حاشیه رد حق تدریس یک زن محجبه افغانستانی در ایالت "بادن وورتمبرگ"

مخالفت وزیر فرهنگ "بادن وورتمبرگ" با تدریس یک زن محجبه افغانستانی، بحثهای حادی را در احزاب پارلمانی و به درجاتی در جامعه آلمان دامن زده است. صف مخالفین و موافقین اقدام وزارت فرهنگ بادن وورتمبرگ از مدافعان حفظ سنن مسیحی تا موافقان آزادی مذاهب و جامعه چند فرهنگی را در بر میگیرد. اما خود حجاب چیست؟ ما بعنوان فعالین یک سازمان مدافع حقوق زنان از کشوری میائیم که در آن قدرت دولتی با سر نیزه و شلاق حجاب را بر میلیونها زن تحمیل کرده است. حجاب، نه یک مدل لباس، بلکه سمبل بی حقوقی و تحقیر زنان است. با حجاب است که سالهاست آزادی فردی و اجتماعی میلیونها زن را در جغرافیای معینی پیچیده و زندگی و احساسات و عواطفشان را به نیستی کشانده اند. تحمل حجاب بویژه در مدارس، رسمیت دادن به آپارتاید جنسی و تبلیغ فرودستی زن بعنوان انسان درجه دوم است. حجاب سمبل ارتجاع است و شک نیست که مدرسه جایگاه روشنگران این ارتجاع و فرودستی نباید باشد. اما ما میگوئیم در مدارس نه فقط حجاب، بلکه نمایش تمام مظاهر مذهبی و ارتجاعی باید ممنوع گردد. اما اقدام وزارت فرهنگ بادن وورتمبرگ جهانشمول نیست، تبعیض آمیز است. هدفش سکولاریزه کردن مدارس این ایالت نیست. در همین ایالت مساجد اسلامی و کلاسهای آموزش قرآن برای کودکان خانواده های مهاجر دایر است و وزارت فرهنگ عکس العملی نشان نمیدهد. مالیات رسمی کلیسا تا برنامه های رادیو تلویزیونی دعای صبحگاهی و روضه شب یکشنبه تا تدریس مذهب در مدارس و اگاداری شبکه وسیعی از خدمات اجتماعی با کمک دولت به کلیساها همه و همه درهم تنیدگی مذهب و دولت در آلمان را به نمایش میگذارند. دولت آلمان از طرق مختلف در صد تحکیم دخالت مذهب در زندگی اجتماعی است و امکانات بیشماری در اختیار کلیسا قرار میدهد. دولت آلمان امکانات خود را در اختیار کسانی قرار میدهد که در مدارس به تدریس اسلام به فرزندان مهاجرین مشغولند، اما نمیخواهد با پذیرش یک معلم محجبه سمبلی اسلامی را در مقابل دانش آموزان "خودی" نیز قرار دهد. توحش اسلامی اگر به همان دایره مهاجرین و فرزندان آنان محدود بماند اشکالی ندارد. هدف وزارت فرهنگ بادن وورتمبرگ کوتاه کردن دست مذهب از زندگی و اذهان کودکان معصوم نیست، بلکه همزمان با این تک اقدام، با اقدامات متعدد و متنوع و از جمله صرف بودجه های چند میلیاردی به رشد و پاکیری خرافات مذهبی در جامعه و از جمله در بین مهاجرین و پناهندگان، کمک میکند. اقدام وزارت فرهنگ ایالت بادن وورتمبرگ قابل دفاع نیست. مدافعان رد حق تدریس این معلم محجبه، تنها با قرار گرفتن در، و دفاع از، سنگر سکولاریسم در مدارس آلمان است که میتوانند مرز خود را با وزارت فرهنگ این ایالت و دولت آلمان نشان دهند.

کودکان باید از دست درازی مذهب مصون باشند و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش باید تامین گردد. همه مذاهب باید از موقعیتی برابر در مقابل دستگاه دولت و نظام آموزش و پرورش برخوردار باشند. اما این موقعیت برابر چیزی نیست جز قطع کامل حضور همه مذاهب و تمام سمبلهای مذهبی از آموزش و پرورش. هیچ مذهبی نباید مجاز باشد امکانات عمومی جامعه را به نفع خود بکار گیرد. پذیرش چنین امتیازاتی برای یک مذهب یعنی پذیرش تبعیض مذهبی. تنها یک نظام کاملاً سکولار اجازه خواهد داد که هر گونه تجلی مذهب از زندگی و تحصیل کودکان حذف شود، از صلیب تا حجاب.

کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران - واحد آلمان

۱۸ جولای ۹۸

و مدرن جهانی) برای کودکان را برقرار و تضمین کند. مدافعین حجاب اسلامی اجباری بر سر کودکان، از دول غربی گرفته تا گروههایی مثل آوای زن و راهکارگر، به عوض مبارزه فرهنگی-نظری و سیاسی برای دفاع از حقوق و آزادی کودکان، به خاطر منافع سیاسی-اقتصادی و یا جهل و اپورتونیسیم سیاسی، حامیان "حقوق دموکراتیک" فرقه‌ای با ایدئولوژی و رسوم مهجور و ضدانسانی، در مقابل کودکان هستند.

هم این سکت اسلامی و هم حامیانش، در هر لباسی، باید به‌طور مدام افشا شوند.

یک اقدام قابل تحسین

آقای هادی‌خرسندی در اعتراض به مواضع خاتمی گرایانه کیهان‌لندن، از این هفته‌نامه کناره گرفته است و همکاری‌اش با آنرا قطع نموده است (نیمروز ۱۰ ژوئیه ۹۸).

در شرایطی که عمده روشنفکران و نویسندگان و روزنامه‌نگاران ایرانی داخل و خارج کشور در موج حمایت از خاتمی و جمهوری اسلامی‌اش حل شده‌اند و در خلسه امتیازات و مقاماتی هستند که در جامعه مدنی موعود خاتمی نصیب آنها خواهد شد، اقدام هادی خرسندی، بویژه اینکه دلیل آنرا به صراحت به اطلاع افکار عمومی رسانده است، عملی با ارزش است.

به امید اینکه این حرکت درسی هم برای دیگران داشته باشد و جنبش آزادیخواه ضد جمهوری‌اسلامی را، با تنوعاتش، قوی‌تر و شادابتر کند.

نادر بکتاش

۱۲ جولای ۹۸

پنجاه یا هفتاد سال یا کمتر و بیشتر زندگی کند، تصمیم بگیرد! در مورد این مساله به تفصیل در انترناسیونال شماره ۲۵ نوشته شده است. اما بد نیست سوالی از مخالفین بر حرارت موضع حزب در رابطه با سقط‌جنین بکنیم. آیا تا به حال شده است که به طور جدی به این مساله فکر کنند که ممکن بوده است ۳۰ یا ۴۰ سال پیش (هرچقدر که سنشان است) کسانی تصمیم بگیرند که جلوی به دنیا آمدنشان را بگیرند؟ اگر خوب به این مساله بیندیشند، حتماً از مادرانشان تشکر خواهند کرد که به فکر ممانعت از تولد آنها نیفتاده اند. آدمها، علی‌العموم، علیرغم تمام مصائب زندگی، از به‌دنیا آمدن خوشحال هستند. جامعه باید از همین دفاع کند: از اینکه کسانی نتوانند در مورد حق حیات دیگران، ولو جنین ۳ روزه، تصمیم بگیرند. از اینکه چقدر خوب است که این کودکانی که در پارکها و خیابانها و خانه ها میدوند و میخندند و گریه میکنند، به دنیا آمده اند. و چقدر بیرحمانه و پوچ است که این حق زندگی، با مباحث یاوه ای از قبیل حق دموکراتیک زنان و غیره، لوٹ شود.

حجاب اسلامی

به همان اندازه که فرستادن بچه ها به جنگ و روی مین،

فعالیت‌های حزب در خارج کشور

اطلاعیه‌ها

در حاشیه یک کناره گیری، نادر بکتاش، ۱۴ جولای ۹۸
 - "اتحادیه؟ مستقل کارگران؟"، منصور سلطانی (رضا شهرستانی)،
 ۹۸/۷/۱۴. منصور سلطانی، کادر حزب کمونیست کارگری ایران، از
 فعالین شورائی در دهه ۶۰ و نماینده سابق کارگران کارخانه ایندامین
 در جاده مخصوص کرج، در این اطلاعیه راجع به آنچه بنام "اتحادیه
 مستقل کارگران ایران" اخیرا در برخی نشریات در خارج کشور طرح
 شده اظهار نظر می کند.

مصاحبه

۳۰ ژوئن "صدای کمونیسم کارگری" با فاتح شیخ الاسلامی حول تم
 "جامعه ایران یک جامعه اسلامی نیست" مصاحبه کرد. "صدای
 کمونیسم کارگری" یک نشریه گویا در شبکه اینترنت است. آدرس
 الکترونیکی: <http://www.kvwpiran.org>

سخنرانی

مینا احدی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در
 روزهای ۲۶ ژوئن و ۴ ژوئیه در شهرهای کلن و دارمشتات آلمان دو
 سخنرانی به زبان آلمانی و بنا به دعوت چند سازمان آلمانی برگزار
 کرد. موضوع هر دو سخنرانی، بیست سال خستونت بر علیه زنان در
 ایران بود، که در آن، سخنران به معرفی مقاومت وسیع زنان در مقابل
 قوانین و مقررات ضد زن موجود در ایران، پرداخته و در آخر به
 معرفی کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران و توضیح مفصل
 خواسته‌های آن در تغییر اوضاع موجود پرداخت.

کنفرانس سراسری اعضای حزب در کانادا

کنفرانس سراسری اعضا، تشکیلات خارج کشور واحد کانادا در
 روزهای شنبه و یکشنبه ۱۸ و ۱۹ جولای با شرکت بیش از ۱۰۰
 عضو برگزار شد. در این کنفرانس در مورد اوضاع سیاسی ایران، حزب
 و قدرت سیاسی و گزارش کمیته کشوری به کنفرانس مفصل بحث و
 تبادل نظر شد. مباحث کنفرانس در فضایی شاد و پرجدل و با دخالت
 فعال حاضرین پیش رفت.

در جریان کنفرانس، پیامهایی از طرف حزب کمونیست کارگری عراق
 - واحد کانادا، کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران و همبستگی -
 فدراسیون سراسری پناهندگان خطاب به کنفرانس خوانده شد. در پایان
 کنفرانس، هفت نفر برای کمیته کشوری دور بعد انتخاب شدند. اسامی
 اعضای کمیته کشوری به قرار زیر است: شهرام صنیعی، مریم نیک
 فر، مسعود ناظری، امیر پیام، فرید پرتوی، محمود احمدی، محسن
 ابراهیمی.

شرکت هیات کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در کنفرانس "واید" در وین

بنا به اطلاعیه مطبوعاتی کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در
 ایران - واحد آلمان، این کنفرانس در فاصله ۱۱ تا ۱۴ ژوئن در شهر
 وین اطریش و با شرکت حدود دویست نفر از کشورهای مختلف
 تشکیل شد. واید شبکه ای است از ۱۲ گروه زنان اروپایی و تعدادی
 اکتیویست منفرد که از سال ۱۹۸۵ در مورد مسائل زنان فعالیت
 میکنند. موضوع این کنفرانس حقوق اقتصادی و اجتماعی زنان اعلام
 شده بود. و مهمترین بحث کنفرانس اختصاص به بررسی تاثیرات
 جهانی شدن سرمایه و سیاست نتولیرالیزم بر زندگی زنان و ارائه
 استراتژی واحد در مقابل این سیاستها بود. ۸ سمینار جانبی و از
 جمله سمینار فوندامنتالیسم و حقوق اجتماعی و اقتصادی زنان،
 موضوع چندین ساعت بحث شرکت کنندگان در این کنفرانس بود.
 هیئت شرکت کننده از طرف کمپین: پروین معاذی، اسرین محمدی،
 هدی پویا و مینا احدی بودند. در سمینار فوندامنتالیسم و مسائل
 زنان، مینا احدی در مورد مسئله زنان در کشورهای اسلام زده و نقش
 مذهب در آنها به تفصیل صحبت کرد و به بررسی گرایش‌های مختلف
 در جنبش زنان و نقد تز فوندامنتالیسم پرداخت. در این کنفرانس
 تعداد زیادی از اعلامیه‌ها و اسناد کمپین در بین شرکت کنندگان
 توزیع شد.

برگزار میشود:

سخنرانی، بحث و گفتگو:
آزادی بیان، انتقاد و تحزب در ایران امروز

در ایران امروز مردم به هزار زبان و حرکت می‌گویند که آزادی و
 برابری و مدرنیسم می‌خواهند: چگونه می‌توان در جامعه‌ای که زبان از
 کام می‌کشند، انتقاد را به بهانه تفرقه و احترام به مقدسات ملی -
 مذهبی و تاکتیک‌های سیاسی تکفیر می‌کنند، تحزب مدرن را با
 پان‌دبازی و توطئه و روابط قبیله‌ای یکی می‌گیرند، به مطالبات و
 آرمان‌های مردم رسید؟

سخنران:
نادر بکتاش

زمان: شنبه اول اوت ۹۸، ساعت ۷ بعدازظهر
 مکان: CONWAY HALL
 RED LION SQUARE LONDON WC1
 Tube: Holborn

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - بریتانیا
 BM BOX 1919 LONDON WC1N 3XX
 Tel: 0958 747310

* * * * *

سی و دومین برنامه خانه حزب کمونیست کارگری ایران - کلن

اوضاع سیاسی ایران

سخنران: محمد آسنگران کادر حزب کمونیست کارگری ایران

تاریخ: جمعه ۳۱ جولای ۱۹۹۸، از ساعت ۱۸/۳۰
 Adresse:

Alte Feuerwache, Melchiorstr

مسئول خانه حزب کمونیست کارگری ایران - کلن،

نسان نودینیان
 TEL: 00491729587906
 Email: Shadi@t-online.de
 Kontakt:
 Postfach 102431
 50464 Koln

جلوی فاشیسم

مصطفی صابر

ضد افغان را باید گرفت!

خیلی نمونه وار است. در هر کجای دنیا که جامعه بورژوازی
 با بحران و بیکاری روبرو میشود، قبل از همه سراغ بخشی از
 طبقه کارگر میروند که به آن عنوان "خارجی" داده اند و کاسه
 کوزه‌ها را بر سر این بخش "غیر خودی" می‌کشند. "خارجی‌ها"
 مشاغل را اشغال کرده اند. "اگر خارجی‌ها به کشور خود
 برگردند، برای بیکاران شغل ایجاد میشود و ... در ایران هم
 که بیکاری امان همه را بریده است، همین روش موهن به جلو
 صحنه رانده میشود:

روز ۲۳ تیر بدنبال یکی از سلسه جلسات غیر علنی مجلس
 اسلامی در مورد "بررسی بیکاری"، نوبخت عضو هیات رئیسه
 مجلس، پس از اعتراف ضمنی به ناتوانی حکومت اسلامی در
 پاسخ به "مشکل حاد بیکاری"، گفت: "ب"مجلس در مورد ۲
 میلیون و نیم کارگر خارجی شاغل در ایران بحث خواهد کرد".
 این مطلب با تیتیری بزرگ و با تایید آشکار در روزنامه همشهری
 (چهارشنبه ۲۴ تیر - ۱۵ ژوئیه) آمد. تیتیری برای به جولان
 آوردن احساسات فاشیستی در مقابله با بیکاری!

فاشیسم ضد افغان البته فقط به جمهوری اسلامی و جناحهای
 مختلفش محدود نیست. به طیف‌های مختلف سلطنت طلب و
 ملی‌گرا نگاه کنید. تا آنجا که به "کارگر خارجی" و مشخصا
 کارگران افغانستانی مقیم ایران بر میگردد، این نیروها در کنار
 جمهوری اسلامی و فاشیسم ضد افغان قرار دارند. به طیف توده
 ای - اکثریتی - راه کارگری نگاه کنید، اینها همواره و به روش
 های مختلف علیه حضور کارگران افغان در ایران بوده اند. در
 یک کلام تمام بخش‌های طبقه سرمایه دار ایران در تبلیغ علیه
 افغانها، در محروم کردن و محروم نگاه داشتن آنها از ابتدایی
 ترین حقوق (مثل ازدواج با ایرانی‌ها! مثل مدرسه رفتن!) و در
 نتیجه در تبدیل کردن این بخش از انسانها به ارزان‌ترین و بی
 حقوق‌ترین بخش طبقه کارگر ذینفع بوده اند.

تنها کمونیستها و کارگران آگاه ایران از همان ابتدا و
 پیگیرانه اعلام کرده اند که کارگران افغانستانی و سایر کسانی که
 جرمشان اینست که در محدوده جغرافیایی متفاوتی متولد شده
 اند، انسان اند از تمام حقوقی که هر انسانی در آن جامعه دارد
 باید برخوردار باشند. تنها طبقه کارگر است که از بیحقوق بودن
 "غیرایرانیها" شدیدترین لطمات و بدترین رقابتهای در صفوف خود
 را متحمل میشود. امروز نیز، در مقابله با بیکاری که شترش
 در همه خانه‌ها خوابیده است، طبقه کارگر وظیفه دارد که با
 تمام قوا علیه این فاشیسم متعفن ضد خارجی و ضد افغان به
 مبارزه برخیزد. کارگران به چنین مبارزه‌ای احتیاج دارند، چرا که
 باید مبارزه با بیکاری را به جای درست آن، یعنی خواستن بیمه
 بیکاری برای همه افراد بالای ۱۸ سال آماده به کار، تعهد و
 تضمین دولت برای تامین زندگی تمامی اخراجیون ماههای اخیر
 و نظایر آن هدایت کنند. ثانیاً کارگران باید با اعلام حقوق کامل
 شهروندی برای همه ساکنین کشور، به تمام جامعه نشان دهند که
 تنها این طبقه است که پرچم آزادی و برابری واقعی انسانها را
 و برای مرزهای نژادی و ملی و جنسی و مذهبی در دست گرفته
 است.

۱۵ ژوئیه ۹۸

کارگر کمونیست

۱۰

اطلاعیه پایانی کنفرانس
 دوم حزب کمونیست
 کارگری ایران

کنفرانس پایانی کنفرانس کارگری
 ایران در شهر کلن آلمان در روزهای ۱۱ تا ۱۴ جولای ۱۹۹۸ برگزار شد.
 در این کنفرانس ۱۲۰ نفر از اعضای حزب کمونیست کارگری ایران شرکت کردند.
 در این کنفرانس ۱۲ گروه از کشورهای مختلف تشکیل شد.
 در این کنفرانس ۱۲ گروه از کشورهای مختلف تشکیل شد.
 در این کنفرانس ۱۲ گروه از کشورهای مختلف تشکیل شد.

حزب دمکرات کردستان ایران و
 تحولات نوین در جامعه کردستان
 شرح حال مصطفی از حکمت کردانی عضو
 کادر حزب کمونیست کارگری ایران
 علیه پ.ک.ک. در دفاع از حقوق مردم
 محمد آسنگران (نمذ ۱۰)

ادبیات کارگری
 فد. ناظری
 (نمذ ۱۷)

اطلاعیه‌های منتشر شده
 تاریخ معاصر کردستان
 (نمذ ۱۸-۲۰)

اند. نوبختیان
 (نمذ ۲۲)

در اجنزار نشریه ای به نام

"اطلس"

صنعتگر متر

از انتشارات تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران - واحد سوئد

نگاهی به دو هفته نامه ...

ادامه از صفحه ۴

صاحب ستون دائمی، پس و پیش شده است. میناسدی و فریدون
 کیلانی (رادیکال ضد رژیم و نزدیک به طیف چپ) به نزدیکیهای
 در خروجی بخش ستونهای ثابت فرستاده شده‌اند (همانجایی که
 قرار است جایگاه چپها و کمونیستها در ایران اسپانیایی باشد!).
 نویسندگان ثابت این نشریه تقریباً همه از نظر سیاسی ضد رژیمی
 و عمدتاً از حیث ایدئولوژیک ضد کمونیست، هستند.

نیمروز توهم دیرینه مشروطه‌طلبان را، پادشاهی به سبک اسپانیا،
 در شماره ۱۷ ژوئیه خود، از زبان "یک مادر ۷۰ ساله" (که با
 کلماتی که بکار میبرد و تحلیل‌هایی که ارائه می‌دهد، حتماً یک
 شخصیت واقعی استثنایی است!)، یا شاید هم یک نماد تخیلی
 مام میهن!)، در قالب "نامه به رضاپهلوی"، یادآوری میکند. و
 در غیاب امکان بلاواسطه تحقق سیاسی این برنامه، فعلاً مشغول
 عملی کردن آن در عالم مطبوعات می‌شود. آیا می‌رود که یک
 روزنامه ضد کلیت جمهوری اسلامی، بتدریج هرچه بیشتر
 ناسیونالیست و ضد کمونیست، کم کمک عریانتر و شدیدتر
 پهلوی طلب بشود؟ نزد نیمروز، آرزوی دائمی جانشین کیهان لندن
 شدن در میان طرفداران سلطنت، اکنون که بخشی از این طیف
 دیگر خود را در مواضع شدیداً متمایل به جمهوری اسلامی
 کیهان لندن باز نمی‌شناسد، فرصتی برای تحقق پیدا میکند.
 برای تحقق این رویای ژورنالیستی، نیمروز ناچار است از نظر
 سیاسی به سمت رادیکالیسم ضد رژیمی و از نظر ایدئولوژیک
 شدیداً به طرف ناسیونالیسم و آنتی‌کمونیسم بچرخد. هم جانشین
 و هم مکمل کیهان لندن.

رویدادهای ایران

محکومیت کرباسچی

روز پنجشنبه اول مرداد اعلام شد که کرباسچی شهردار سابق تهران، توسط دادگاه ویژه ای که رئیس، قاضی و دادستان آن آخوندی بنام محسنی اژه ای بود به مجازاتهای متعددی از جمله ۵ سال زندان، ۶۰ ضربه شلاق، محرومیت از استخدام دولت و شهرداری و مبالغ زیادی جریمه نقدی محکوم شد. محاکمه کرباسچی یک نقطه گره کشمکش جناحهای رژیم طی سال جاری بود و در شرایط کنونی این حکم، قطع نظر از نفس اتهامات و پروسه دادرسی، به معنی تعرض شدید دستگاه قضائی علیه جناح خاتمی تلقی میشود. در همین روز دادگاه مسئول بررسی مجدد حکم لغو امتیاز روزنامه "جامعه" (طرفدار خاتمی) نیز حکم قبلی را تایید کرد.

روز قبل در جریان بررسی رای اعتماد به موسوی لاری وزیر جدید کشور در مجلس شورای اسلامی، یک سخنگوی جناح مخالف خاتمی اعلام کرد که آن جناح "به منظور کاهش تشنج" به وزیر کشور جدید کابینه خاتمی رای میدهد و به این ترتیب وزیر جدید رای اعتماد گرفت. یادآوری میشود که با توجه به اکثریت شکننده در رای عدم اعتماد علیه وزیر سابق کشور توازن آراء در مجلس اسلامی نشان میدهد که احتمال رای مثبت به وزیر جدید بالاست و به نظر میرسد اعلام آتش بس توسط جناح مخالف خاتمی در این زمینه حسابگرانه بوده است. اما همزمان، دستگاه قضائی رژیم بازوی دیگر این جناح، با تایید حکم منع انتشار روزنامه "جامعه" و محکوم کردن کرباسچی به زندان و شلاق و غیره ضربه سنگینی بر گروه موسوم به "کارگزاران سازندگی" و کل جناح خاتمی وارد آورد.

قابل ذکر است که در جریان دور اخیر کشمکشهای جناحی، دو هفته پیش روزنامه جمهوری اسلامی (که به سخنگویی خامنه ای شهرت دارد) شدیداً از وجود تفرقه و دوشقه شدن رژیم اسلامی شکایت کرد اما روز بعد خامنه ای در یک مراسم رسمی مذهبی که همه سران رژیم (جز فرسنگانی) حضور داشتند، هر نوع تفرقه را در درون رژیم انکار کرد و بر وجود وحدت همه ارگانهای رژیم تاکید گذاشت! در همین مراسم، خاتمی نیز بر ضرورت وحدت زیر لوای رهبری خامنه ای صحه گذاشت. این اظهارات بالاترین مقامات رژیم اسلامی، درست در متن بحشهای تند و خشن

مطبوعات دو جناح در مورد گسترش اختلافات و ترس از بهم ریختگی اوضاع، نشانه عمق این کشمکشها و تلاش بالائیها برای ایجاد سازش در جهت "حفظ نظام" و جلوگیری از گسیختگی آن است. بعنوان یک واقعیت عینی، علیرغم این تلاشها و نیز علیرغم سازشهای موقت، کشمکش جناحها طی یک سال گذشته مرتباً از سر گرفته شده و رو به تصاعد گذاشته است. وقایع روزهای اخیر مجدداً بر این روند صحه میگذارد.

انتشار "طوس" به جای "جامعه"

بدنبال تایید حکم منع انتشار علیه روزنامه "جامعه" در روز پنجشنبه، شنبه سوم مرداد، این روزنامه با نام "طوس" انتشار خود را ادامه داد. انتشار این روزنامه با همان فرمت و همان کادر مطبوعاتی، تضعیف چشمگیر کنترل دستگاه قضائی، بر مطبوعات طرفدار خاتمی، در جریان کشمکشهای جاری جناحی را نشان میدهد. فائزه هاشمی رفسنجانی نیز روز شنبه ۳ مرداد شماره آزمایشی روزنامه ای بنام "زن" را منتشر کرد.

اعدام یک شهروند در ارتباط با غیرمسلمان بودن

هفته گذشته اعلام شد یک شهروند بنام روح الله روحانی، ۵۲ ساله، که از ده ماه پیش در زندان مشهد بخاطر آنچه مقامات قضائی رژیم "بهای" کردن یک زن مسلمان عنوان کرده اند زندانی بود، اعدام شده است. تا کنون شمار زیادی از شهروندان توسط رژیم اسلامی در ارتباط با غیرمسلمان بودن و انتساب به "بهائیت" اعدام شده اند.

مربیان

تعرض مالکان برای تصرف زمینهای زحمتکشان یک روستا درهم شکست و مالکان از روستا بیرون رانده شدند. بنا به اعلامیه (مورخ ۳۱ تیر ۷۷) کمیته مربیان حزب کمونیست کارگری ایران اخیراً در مناطقی از کردستان، از جمله مربیان و کامیاران، مالکان سابق با پشتیبانی رژیم اسلامی برای پس گرفتن زمین از زحمتکشان دست به تلاشی زده اند. اوایل تیر مالکان سابق با دهقانان فقیر روستای "تفلی" مربیان بر سر زمینهای مزروعی درگیر میشوند. مالکان گندم و علوفه دهقانان را به آتش میکشند و دهقانان نیز در تعرضی متقابل محصولات مالکان را آتش میزنند. در ۲۵ تیر مالکان، یک روستائی ۶۰

نادر بکتاش

نگاهی به دو هفته نامه خارج کشور

از قرار، "ملت ایران" خنگ شده است و کیهان لندن را نمیفهمد! بنیابین تحریریه آن بار دیگر "یک قضیه ساده" یعنی موضعش درباره اوضاع امروز ایران را، توضیح می دهد تا "حرف درستفهم ها"، و نه "سوء نیتدار ها" ("جبهه امتناع")، شیر فهم شوند ("ملت ایران، خاتمی و ما"، کیهانلندن ۱۶ ژوئیه).

موضوع کیهان لندن درباره اوضاع سیاسی در ایران امروز چیست؟ در نوشته هاشان عمدتاً همه امید "تحول" در ایران را بر خاتمی متبلور می کنند، گهگاهی هم در گوشه پرتی از روزنامه شان و یا زیرلبی، برایش پیغام می فرستند که: حواست باشد، شاید ازت قطع امید کنیم! همزمان فعالانه علیه "جبهه امتناع" (بخصوص کمونیستها) می نویسند و "افشاکاری" می کنند.

مفهوم عملی تحول در ایران برای آنها چیست؟ مطبوعات قدری آزاد باشند (در مراحل اول - چند سال؟ - حداکثر فقط حامیان نظام با یکی دو چارکی انتقاد). بعدها (عجله کار شیطان است!) احزاب و انجمن ها اجازه فعالیت پیدا کنند (همانها که در پراتنز قبلی مطبوعاتشان را راه انداخته اند!). تکلیف کمونیستها، تشکلات مستقل کارگران و زنان و معلمان، جمهوری خواهان راست و چپ، مشروطه طلبان، "مردم عجول" خواهان نان و پوشاک و مسکن مناسب و حرمت انسانی و آزادی، چه می شود؟ کیهان موقرانه می گوید: گر صبر کنی ز غوره حلوا سازم! (و در دل خدا را شکر می کند که خاتمی را رئیس جمهور کرده تا بتواند حرکت اقشار و طبقات و احزاب چپ و خطرناک و پرتوقع را برای رسیدن به مطالبات شان کند و مختل کند).

راه رسیدن به این تحول از نظر آنها کدامست؟ که "جبهه امتناع" (به زبان سراسر: حزب کمونیست کارگری و سایر احزاب و افراد مخالف کلیت جمهوری اسلامی، طبقه کارگر و جنبش زنان و جوانان و غیره) فعلاً فعالیت و اعتراضش را تعطیل کند و اجازه دهد جمهوری اسلامی و کیهانلندن کارشان را با متانت به پیش ببرند! و درست در همینجا، نبوغ سیاسی کیهان بیرون میزند: مدتی است که به این نتیجه رسیده اند که برای سالم جستن از خطر "نیروهای خشن" باید دو تیم را تشویق کنند! نه فقط بازیکنان جناح خاتمی، بلکه بازیکنان باشگاه مقابل هم از قبیل خامنه ای و محسن رضایی و غیره هم دارند مورد تشویق و عنایت اینها قرار می گیرند! خود جناحین به این نتیجه رسیده اند که برای بقاء نظام تنها این یا آن جناح باید پیروز شود، کیهان تشویقشان می کند که با هم یکی شوید والا هر دو می بازید، مردم می پرند وسط زمین و خودشان شروع به بازی می کنند! میهن بر باد می رود!

نتایج "درون حزبی" این سیاست در عرصه مناسبات "اداری" داخلی کیهانلندن چیست؟ یکی از همکاران سابقشان، در نیمروز، می نویسد که مطالب درباره فوتبال و خاتمی، در "یکی از نشریات چاپ لندن" کنترل می شده است (به هر حال خودی است و نخواسته اسم کیهان لندن را ببرد!). یک طنزنویس به علت سانسور از آنها کناره می گیرد. ۲ ژوئیه در صفحه ۶ با روزنامه نگاری که "به یاد یار و دیار" به ایران می رود و می آید، حال و احوال میکنند و دو هفته بعدش، در صفحه ۵ مطلبی از او چاپ می کنند: تا در هفته های بعدتر ستون ثابتی به او بدهند؟ (رفتن و رفتن به ایران به خودی خود ایرادی ندارد، در مورد نظرات این ژورنالیست هم نباید قصاص قبل از جنایت کرد: مساله بر سر ترفندهایی احتمالی است که کیهان برای جلب اعتماد بیشتر جمهوری اسلامی میزند). سراغ یک "روزنامه نگار برجسته در تاریخ مطبوعات" که "۲۰ سال است دست به قلم نبرده" میروند تا با افشای ناتوانی "چشم آبی های مغرب زمین" در حل و فصل مسائل، باعث خوشحالی مقامات جمهوری اسلامی، بویژه حزب الله و جناح خامنه ای، بشوند.

کیهان لندن البته هر موضعی که دلش می خواهد، می گیرد، اما مخالفت و افشاکاری در قبال سیاست نشریشان در حمایت از جمهوری اسلامی را (با تبصره هایی آنچهان کمرنگ که فقط خودشان را گول میزند)، "سوتفاهم" جلوه دادن، قدری کم لطفی و توهین به "ملت ایران" است!

این هفته نامه دارد حمایت سیاسی از جناح خاتمی را که یک پشتیبانی عملی از کل نظام اسلامی بود، به پشتیبانی از دو جناح ارتقاء می دهد، و بعد با پیوند زدن این سیاست به حفظ ایران آنرا ایدئولوژیک می کند: برای حفظ میهن از چنگ نیروهای طرفدار "راه های خشونتبار"، باید از جمهوری اسلامی حمایت جانانه کرد. به سیم آخر زده است: "انقلابی" عمل کردن هم بعضی وقتها بد نیست!

علت واقعی این تحول را نباید اساساً در خود رژیم یا جناحین آن جستجو کرد، اتفاقاً سیر ابژکتیو اوضاع یک تحول عکس را (گسست از توهیات به خاتمی) موجه میکند. دلیل این رادیکال شدن کیهان در دفاعش از کلیت نظام، تحرک گسترده تر اقشار و طبقات در قلمرو اجتماعی و سیاسی، و در نتیجه مساعد شدن زمینه برای هر چه بیشتر قدرتگیری کمونیسم است. آنتی کمونیسم ایدئولوژیک مشترک کیهان شاه و جمهوری اسلامی، با حضور سیاسی نیرومند یک حزب کمونیستی و به میدان آمدن یک جنبش کارگری متوقع، فراتر از اختلافات سیاسی، تبدیل به پلاتفرم اهداف مشترک بلاواسطه و سیاست واحد بالفعل میشود. کیهان شاه، به کیهان خاتمی و بعد کیهان جمهوری اسلامی استحاله پیدا میکند. زیرا، بزعم کیهان، فعلاً تنها این رژیم است که به لحاظ در قدرت بودن و در اختیار داشتن نیروهای مسلح، میتواند جلوی کمونیسم را در ایران بگیرد.

نیمروز، جانشین و مکمل کیهان لندن؟

بهرروز صوراسرافیل که قدیمها با کیهان لندن کار می کرد، با یک نیمچه افشاکاری خجولانه در رابطه با سانسور کیهان لندن، به نیمروز پیوسته و صاحب ستون شده است. نادرنا درپور که معمولاً در کیهان لندن مینوشت و به نظر میرسد در غربت تا ابدیت با آنها خواهد ماند، یادنامه چوبک را در نیمروز مینویسد (گسست دائمی از کیهان؟ همکاری تا ابدیت با نیمروز؟). ترتیب عکسها و امضاهای

ادامه در صفحه ۳

آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران

K.A.K
Box 29065
100 52 Stockholm
Sweden

Postfach 103137
50471 Köln
Germany

BM Box 8927
London WC1N 3XX
England

W.P.I
Box 719stn.P
Toronto, ONT .M5S 2Y4
Canada

Postgiro: 4492709-3
K.A.K Box 29065
100 52 Stockholm
Sweden

Z.I.KONTO: 17116703
BLZ: 10090000
Berliner Volksbank
Germany

Account No:07687
Royal Bank of Canada
10 Eglinton Ave. E
Toronto, Ont M4P 2W7
Canada

Fax: (1) 416 515 67 22

E-Mail: wp.iran@mailbox.swipnet.se

تلفن تشکلات خارج کشور

(۴۶)۰۷۰-۵۸۸۵۸۳۶

دوشنبه، چهارشنبه، جمعه ساعت ۱۴-۲۱

شماره فاکس کمیته داخل حزب

۳۷۶۹-۵۱۵-۴۱۶-۱

از صفحه حزب در اینترنت دیدن کنید: <http://www.wpiran.org>

به حزب کمونیست کارگری ایران کمک مالی کنید